

سناریوهای الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶

نعیمه ملاحسنی^۱

علی اسماعیل پور^۲

محمد رضا عرب بافرانی^۳



[10.22034/ssys.2023.2891.3109](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2891.3109)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۶/۲۱

پژوهش حاضر با هدف شناسایی سناریوهای پیش روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ انجام شد. امروزه اوقات فراغت از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آینه فرهنگ جامعه یاد می شود؛ به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی های فرهنگ آن جامعه است. در این پژوهش الگوهای فراغتی کنونی جوانان انقلاب اسلامی تحلیل و روندهای اصلی بیان می شوند. سپس مهم ترین سناریوهای پیش روی الگوهای فراغتی ارائه می گردد. رویکرد کلان پژوهش، تفسیری و کیفی و روش به کار رفته در آن، سناریونویسی بر مبنای آنالیز شاخه ای می باشد که بر پایه مطالعات کتابخانه ای و آمارهای ناشی از مجموعه پژوهش های کمی و کیفی در سالیان اخیر صورت پذیرفته است.

با توجه به یافته های پژوهش سه عدم قطعیت بحرانی میزان تقید به خانواده و گروه دوستان، اعتقادات دینی غیرسکولار و درآمد به هزینه شناسایی و با استفاده از آن ها هشت سناریو نگاشته شد. دو سناریو به عنوان محتمل ترین سناریوها، دو سناریو به عنوان مطلوب ترین سناریوها و یک سناریو به عنوان بدترین سناریو معرفی و در نهایت راهبردهایی به منظور حرکت در جهت سناریوی مطلوب بیان گردید. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که با توجه به روندهای موجود، وقوع بدترین سناریو یکی از دو سناریوی محتمل است و این امر توجه ویژه و برنامه ریزی و اقدام سریع در زمینه موضوع پژوهش را از سوی مسئولان می طلبد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، فراغت، سناریو، جوانان شهری ایران و آینده پژوهی.

^۱ کارشناس ارشد انسان شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکتری آینده پژوهی، دانشگاه جامع امام حسین ع، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Esmailpourali@yahoo.com

^۳ استادیار، آینده پژوهی، دانشگاه جامع امام حسین ع، تهران، ایران

مقدمه

هویت و سبک زندگی دو مولفه کاملاً مرتبط با یکدیگر هستند و در جامعه‌شناسی و ادبیات انسان‌شناسی، سبک زندگی را سازنده هویت و برعکس هویت را سازنده سبک زندگی می‌دانند (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). از سوی دیگر، هویت ریشه تمامی فعل و انفعالات فردی و اجتماعی انسان‌ها می‌باشد و ایشان بسته به نوع ارتباط هویتی که با خویشان برقرار می‌نمایند، به رفتارهای اجتماعی می‌پردازند. در اینجا است که مسئله هویت و اهمیت آن هویدا خواهد شد (فکوهی، ۱۳۸۷: ۲۷).

علی‌رغم اینکه سبک زندگی^۱ مفهومی غربی و برآمده از نوع نگاه مدرن به جامعه و انسان می‌باشد، با این حال مفهوم عام‌تر سلوک زندگی از دوران کهن از جمله مباحث مهم در حوزه ادبیات دینی-اسلامی بوده و بحث‌های بسیاری روی آن صورت گرفته است (ایمانی، ۱۳۹۰: ۳۹). هنگامی که از سبک زندگی در عصر جدید-به‌خصوص در شهرهایی که ارتباطات شکلی با مدرنیته برقرار کرده‌اند- صحبت می‌شود، مفهوم بسیار مهم فراغت معنا می‌یابد. فراغت از دو وجه حائز اهمیت می‌باشد:

- یکی آنکه فراغت، بخشی از زمان و زندگی افراد در دنیای مدرن است که وقت ایشان مختص به خودشان بوده و هیچ گونه انتظارات اجتماعی و سازمانی از ایشان وجود ندارد. ایشان در این زمان مختار هستند بدون توجه به محدودیت‌های روزمره، کاری و... به انتخاب بپردازند. در این حوزه نظریات بسیاری مطرح شده است که محور عمده آن‌ها بحث از نحوه انتخاب فعالیت‌های فراغتی توسط افراد و ارتباط آن با هویت ایشان دارد. هرچند این نکته حائز اهمیت است که در ادبیات دینی، مفهومی به نام فراغت (با معنای غربی آن) که در آن فرد با آزادی به انتخاب فعالیت زندگی خویش بپردازد و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه، اطرافیان، خدا و... را در نظر نمی‌گیرد، معنایی ندارد (ایمان، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

- دوم آنکه فراغت در سالیان اخیر-به‌خصوص پس از آنکه مفهوم طبقه اجتماعی، کارکرد خود را در جوامع پیچیده کنونی از دست داده و یا کمرنگ شده است- کارکردهای بسیاری یافته است که عمده این کارکردها حول موضوع نشان‌دادن طبقه اجتماعی در اوقات فراغت توسط فرد جریان دارند. به این معنا که امروزه افراد برای انتخاب اوقات فراغت خود به این مسئله توجه دارند که این فراغت می‌تواند نشان‌دهنده طبقه اجتماعی ایشان باشد، در حالی که در سالیان قبل این کارکرد در حوزه‌های دیگری مانند اشتغال و... خلاصه می‌شد. امروزه ممکن است فرد حتی اشتغال مناسبی نداشته باشد، ولی سعی می‌کند با انتخاب الگوهای فراغتی خاصی، جایگاه خود را در سطح مطلوب خویش تعریف نماید. حال آنکه ممکن است

¹ life style

سناریوهای الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶

حقیقتاً جایگاه اقتصادی فرد در این حد نباشد و وی تنها به دنبال تعریف هویت و جایگاهی کاذب برای خویش است (زالی، ۱۳۹۰: ۳۷).

با توجه به مطالب یاد شده و اهمیت بالای اوقات فراغت، متأسفانه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و کاربردی‌ای در این زمینه صورت نگرفته و روندهای موجود و مسیر پیش‌روی آن‌ها به سمت آینده‌های نامطلوب که در مسیر این پژوهش به تفصیل به آن‌ها اشاره خواهد شد، گواه این امر است. در این پژوهش تلاش می‌شود الگوهای فراغتی کنونی جوانان تحلیل و روندهای اصلی بیان شوند. سپس مهم‌ترین سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی احصا و ارائه گردد. شناخت مسیر آتی روندهای الگوهای فراغتی خواهد توانست زمینه را برای تصمیم‌گیری دقیق‌تر سیاست‌گذاران برای مقابله با روندهای نامطلوب و پررنگ‌نمودن روندهای مطلوب هموار نماید. بنابراین شناسایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری ایرانی در آینده میان‌مدت و زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری بهتر و دقیق‌تر تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران امر به منظور مقابله با روندهای نامطلوب و نیل به نتیجه مطلوب هدف اصلی این پژوهش است. شکی نیست در صورت انجام پژوهش‌های عمیق‌تر تا حد زیادی زمینه برای پیشگیری از آسیب‌های محتمل فراغتی در سال‌های آتی فراهم خواهد شد.

لذا قبل از هر چیز، پیشنهاد این پژوهش، اهتمام مسئولان و متخصصان حوزه هویت، سبک زندگی و فراغت بر آسیب‌شناسی الگوهای فراغتی کنونی جوانان در شهرها و نیز تلاش برای شناخت روندهای مثبت و منفی پیش‌رو و برنامه‌ریزی برای پژوهش و عکس‌العمل مناسب در این زمینه می‌باشد.

در این پژوهش به این سوال اصلی پاسخ داده می‌شود:

سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ کدام‌اند؟

برای پاسخ به این پرسش اصلی به سوالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- فراغت چیست؟ چه کارکردهایی دارد؟ الگوهای فراغتی کدام‌اند؟
- ۲- الگوهای فراغتی در چه دسته‌های کلی طبقه‌بندی می‌شوند؟
- ۳- مهم‌ترین روندهای الگوهای فراغتی جوانان شهری در سال‌های اخیر کدام است؟
- ۴- مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انتخاب الگوهای فراغتی کدام است؟
- ۵- عدم قطعیت‌های بحرانی در آینده الگوهای فراغتی چیست؟
- ۶- مهم‌ترین سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری در افق مشخص‌شده چیست؟

تعریف فراغت: لغت loisir در فرانسه و لغت leisure در انگلیسی را به فراغت یا فراغ ترجمه کرده‌اند. واژه پایه‌گذار فرهنگ لاروس، فراغت را «سرگرمی، تفریحات و فعالیت‌هایی می‌داند که به هنگام آسودگی از کار عادی با شوق و رغبت به سوی آن‌ها روی می‌آورند.» (Furlong, 1997) در لغت‌نامه لیتره،

زبان‌شناس معروف فرانسه آمده است: «فراغت عبارت است از فرصت و زمانی که پس از به انجام رساندن کار و شغل روزانه باقی می‌ماند» (Furlong, 1997: 52).

اوقات فراغت به موجب تعریفی که توسط گروه بین‌المللی جامعه‌شناس فراغت ارائه شده چنین است: «فراغت عبارت از مجموعه‌ای از اشتغالات که فرد کاملاً به رضایت خاطر خود یا برای استراحت یا برای تفریح یا به منظور توسعه آگاهی‌ها و یا فراگیری غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی داوطلبانه بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می‌پردازد.» (شاکسیمنت، ۱۳۸۳: ۷۵) اوقات فراغت را نباید تنها زمانی برای تفریح و شادی و شادمانی دانست، زیرا علاوه بر تفریح، صرف فعالیت‌ها و سرگرمی‌هایی می‌شود که مقداری از آن صرف تجدید قوا و قسمتی از آن به گسترش مشارکت آزادانه در اجتماع و بقیه به امور فرهنگی و ذوقی و هنری اختصاص دارد که این قسمت از فعالیت‌های اوقات فراغت موجب رشد و شکفتگی و به کمال رساندن آن و شکوفایی و پرورش استعدادهای خلاقانه و توسعه و افزایش دانش و معلومات انسان می‌شود (تورکلیدسن، ۱۳۸۲: ۴۹).

فراغت در لغت معمولاً به آسایش، آسودگی، استراحت، بی‌اعتنایی و وارستگی از کار و وقت آزاد که به کارهای غیراجباری و مبنی بر انتخاب شخص پرداخته می‌شود، معنی گردیده است و در تعریف کارسون (۱۹۷۹) در کتاب «تفریح و فراغت»، پس از تعریف گوناگون آن را به چهار طبقه فرهنگی، دینی، فعالیتی و وقت آزاد تقسیم نموده است (فیلیک، ۱۳۸۸: ۳۱). در مطالعات بسیاری تیپ‌گذاران این اوقات را با فرهنگ و جامعه شخصی و برعکس فرهنگ انسان‌ها را از روی نوع گذراندن اوقات فراغت می‌سنجند (وبلن، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

به طور کلی می‌توان به نکات مشترک در تعاریف مختلف اشاره کرد:

- ۱- اوقات فراغت مخصوص قسمتی از اوقات آزاد فرد است نه زمان کار؛
 - ۲- نحوه گذران اوقات فراغت، انتخابی است؛
 - ۳- اوقات فراغت با نوعی رضایت‌خاطر، آرامش و رفع خستگی همراه است؛
 - ۴- این اوقات جدا از کار و اشتغال به زمان خاصی از زندگی انسان اطلاق می‌شود؛
 - ۵- در این اوقات باید افراد را به دور از هر گونه تعهد شخصی، اجتماعی، خانوادگی و مذهبی دانست.
- زمان‌های فراغت و نوع فعالیت فراغتی جوانان:** بیشتر تحقیقات نشان‌دهنده استفاده گسترده از برنامه‌های رسانه‌های جمعی در زمان فراغت است (محمودی اشکور، ۱۳۶۹: ۱۱۲). نتایج تحقیق بهرام (۱۳۶۷: ۹۹) نشان می‌دهد که میزان اوقات فراغت دانش‌آموزان به طور متوسط ۴ ساعت در روز است و تحقیق مهدی‌پور (۱۳۷۱: ۱۲۳) زمان فراغت دانشجویان را بین ۳ تا ۵ ساعت در روز بیان می‌نماید. در مورد گزینه‌های موردنظر افراد در زمان فراغت، یافته‌های پژوهشی موارد متعددی را بیان داشته‌اند. فعالیت‌هایی نظیر

فعالیت‌های هنری، کتابخانه‌ای، ورزشی و سرگرمی‌های داخل منزل طرفداران اندکی دارد (کیان، ۱۳۵۶: ۷۷) و افراد بیشتر علاقه‌مند هستند که زمان فراغت‌شان با فعالیت‌های جمعی نظیر گردش، تفریح و ورزش پر شود (محمودی اشکور، ۱۳۶۹: ۸۴؛ یزدانی فاروقی، ۱۳۷۳: ۹۲) و معاشرت با خانواده و نیز دوستان از اولویت‌های فراغت آنان به شمار می‌رود (یزدانی فاروقی، ۱۳۷۳: ۹۲).

در مورد مهم‌ترین موانع گذران اوقات فراغت، مطالعه کیان (۱۳۵۶: ۱۰۲) نشان می‌دهد که این موانع برای دو گروه درآمد بالا و پایین یکسان نمی‌باشد و افراد کم‌درآمد برای پرداختن به فعالیت‌های فراغتی از کمبود پول و موانع اجتماعی رنج می‌برند، اما مهم‌ترین مانع برای افراد پر درآمد موانع شخصی و فردی نظیر کمبود وقت است. حسین محمودی اشکور (۱۳۶۹: ۹۹) به خلاء فراغت یعنی وقت‌های بدون برنامه و توأم با خستگی و سرگردانی در زمان فراغت دانش‌آموزان اشاره می‌کند و یزدانی فاروقی (۱۳۷۳: ۱۰۸) پایین‌بودن امکانات و شرایط ایجادشده را علت گرایش کم دانشجویان به ورزش می‌داند. در این دوره، طرح‌های پژوهشی متعددی از سوی سازمان ملی جوانان انجام شد. یکی از این مطالعات نشان می‌دهد که عمده‌ترین صورت‌های گذران اوقات فراغت در شهر تهران تماشای تلویزیون با ۸۳ درصد، استراحت با ۶۷ درصد، دیدار دوستان و خویشاوندان با ۵۸ درصد، انجام کارهای هنری با ۴۳ درصد و بازی و ورزش با ۴۲ درصد بوده است و البته تفاوت‌هایی از این حیث میان دختران و پسران و مجردها و متأهلان وجود دارد (شیخ، ۱۳۷۴: ۱۹۳).

عوامل موثر بر فراغت: در گذران اوقات فراغت، سن، طبقه اجتماعی-اقتصادی، گرایش مذهبی و جنسیت باعث ایجاد مرزبندی‌ها و تفاوت‌هایی می‌شود. در این میان به نظر می‌رسد جنسیت و سن بر نحوه گذران اوقات فراغت افراد مختلف تاثیر مهمی دارند (ربانی و شیر، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

اگرچه نیاز به اوقات فراغت مربوط به یک قشر خاص نیست، اما از آنجایی که ایران با میانگین سنی ۱۶ سال (سلگی، ۱۳۸۲: ۵۹) در ردیف جوان‌ترین کشورهاست، توجه خاص و ایجاد امکانات برای گذراندن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت آنان و همین‌طور سازندگی جامعه داشته باشد. تحقیقات متعدد در این زمینه نشان می‌دهد که رواج انواع تفریحات انحرافی به‌واسطه کمبود امکانات تفریحی و عدم آگاهی و عدم برنامه‌ریزی و اجرای صحیح سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی، جوانان را به سوی فعالیت‌های ناسالم سوق می‌دهد و ممکن است مبنایی برای بروز کج‌روی در این قشر فراهم آورد (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

دانشگاه، آخرین مرکز تحصیل رسمی است که می‌تواند افراد را به فراگیری مهارت‌های زندگی (اعم از کار و فراغت) تشویق کند و یکی از نقش‌های نهادهای آموزشی، پرورش مهارت‌های دانشجویان برای گذران اوقات فراغت است (فارمیان، ۱۳۸۷: ۷۱).

طراحی فضاهای شهری، نقش مستقیمی در کنترل‌پذیری اوقات فراغت دارد و بدین‌وسیله محیط مناسبی برای گذران اوقات فراغت جوانان ایجاد می‌کند. در بحث اوقات فراغت آسیب‌ها بیشتر به اعتیادها باز می‌گردد و بعضی رفتارها تا زمانی که به‌صورت عادت در نیاید، جنبه آسیبی ندارد مثل اعتیاد اینترنتی یا اعتیاد به همراهی همیشگی با دوستان به حدی که فرد را از حوزه‌های کار و خانواده دور کند (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

تحقیقات انجام‌شده در زمینه بررسی علل آسیب‌های اجتماعی در میان جوانان نشان می‌دهد که بیکاری و نداشتن برنامه برای اوقات فراغت، نداشتن تحرک و فعالیت‌های سالم و موردعلاقه جوانان تأثیر بسزایی در گرایش آن‌ها به رفتارهای آسیبی دارد و این جا است که حساسیت برنامه‌ریزی اوقات فراغت جوانان، از یک‌سو و نظارت مدبرانه خانواده (والدین)، از سوی دیگر به‌خصوص در جنبه آسیب‌زایی اوقات فراغت نمود پیدا می‌کند (رفعت جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

عامل تأثیرگذار دیگر بر فراغت، جنسیت است. بروز تمایزهای جنسیتی در فراغت از دیدگاه کلی جامعه درباره تفاوت بین دو جنس ناشی می‌شود و عوامل متعددی در آن دخیل‌اند. این عوامل از نگرش جامعه به رفتارها و فعالیت‌های مناسب برای زنان و مردان تا تسهیلات، امکانات و فضاهای فراغتی خاص زنان و مردان در تغییر است (رفعت جاه، ۱۳۸۹: ۶۲).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از زنان از داشتن وقت آزاد و پرداختن به فعالیت‌های فراغتی احساس گناه می‌کنند. درنتیجه، گوش‌دادن به رادیو و تماشای تلویزیون باید با انجام کارهای اضافی خانه مانند اطو کشیدن، شست‌وشو یا کارهای بافتنی همراه باشد. تحت انقیاد درآوردن زنان از طریق توجیه و الزام آن‌ها به انجام کارهای خانه و مراقبت از کودکان عملی می‌گردد. زنانی که از خانه‌داری و بچه‌داری احساس رضایت نکنند، در صورت مقاومت و مبارزه با این انتظارات فرهنگی با تعاریفی از قبیل "غیرطبیعی" و "بی‌توجه" روبه‌رو می‌شوند (هی‌وود و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۱).

سه عامل کلیدی در فراغت عبارت‌اند از: زمان، فعالیت و فضا که زنان در هر سه مورد وضعیت نامساعدی برای فراغت دارند. وقت آن‌ها برای اوقات و فعالیت‌های فراغتی محدود است، فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می‌توانند در آن‌جا به فعالیت‌های فراغتی بپردازند، محدود است و در واقع گزینه‌های اوقات فراغت آن‌ها دچار محدودیت است (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

در بیشتر موارد، نخستین مسئولیت زنان، سازماندهی امور خانه و انجام کارهای خانه است - صرف نظر از این که آن‌ها شغل با دستمزد داشته یا نداشته باشند. بر خلاف استخدام با دستمزد، این گونه کارهای خانه حد و مرز مشخصی ندارد. مسئولیت‌های خانگی به گونه‌ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می‌سازد. بنابراین باعث تکه‌تکه شدن اوقات فراغت می‌شود. برای زنان ترسیم

خط میان کار و فراغت دشوار است و در نظرگرفتن فراغت به منزله وقت آزاد با تجربه بیشتر زنان بیگانه است (هی وود و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹۴).

از طرف دیگر، با افتادن مسئولیت خرید اقلام مصرفی خانواده بر دوش زن و به طور کلی با گسترش فرهنگ مصرفی، خرید تلفنی به عنوان فعالیتی فراغتی، مطلوب زنان می شود، زیرا فرصتی برای خروج از خانه و حضور در مکان های امن عمومی در اختیار آنها می گذارد. به نظر می رسد دختران جوان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی، اجتماعی و عرفی جامعه ایران نیاز به یک سری برنامه های فراغتی متفاوت از برنامه های فراغتی پسران داشته باشند. (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۱) دختران هم در خانواده هم در موسسات فراغتی و هم در امکانات تفریحی مورد تبعیض واقع می شوند. بنابراین، انگاره های موجود اجتماعی شدن و آموزش باید دگرگون شود. زنان دارای نیازها و علائق خاص خود هستند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از جمله گذران اوقات فراغت آنان ناشی از تفاوت روحیات زنان و مردان باشد (زالی، ۱۳۹۰: ۳۸).

به نظر ابوت و سپسفورد، تحلیل پاسخ های زنان مصاحبه شونده اثبات می کند که زنان برای خود نوعی هویت طبقاتی قائل اند و این هویت را از روی شغل خود یا ویژگی های شخصی و دوران دوشیزگی شان مثل خاستگاه طبقاتی (که با شغل پدر تعیین می شود) و سطح تحصیلاتشان بهتر می توان دریافت تا با استناد به شغل شوهر (Abbott & Sapsford, 2006: 256).

در واقع پایگاه اجتماعی و چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان و دختران با هم رابطه مستقیم دارد. با دگرگونی تدریجی سبک زندگی، زنان و دختران جوان برای سلامت، سرگرمی و فعالیت های فراغتی برون خانگی اهمیت بیشتری قائل می شوند. پژوهش های اخیر نشان می دهد الگوهای اوقات فراغت دختران جوان شهری به ویژه در اقشار متوسط از شکل انفعالی و درون خانگی به شکل فعالانه و برون خانگی میل می کند که این موضوع در شهر تهران بیشتر به چشم می خورد. اما با توجه به محدودیت ها و موانعی که امروزه برای حضور دختران در غالب فضاهای عمومی شهری وجود دارد به نظر می رسد فراغت این قشر می تواند از بیرون به مکان های سرپشته ای که آسیب های کمتری در پی دارد، کشانده شود و در این راستا سیاست های فرهنگی معطوف به فضاهای فراغتی می تواند گذران فعالانه و خلاقانه و غیر آسیب زای اوقات فراغت دختران جوان را بارور سازد (رفعت جاه، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

مجموعه عوامل و متغیرهای موثر در گذران فراغت را می توان به ۶ گروه به شرح زیر تقسیم کرد:

- ۱- متغیرهای اجتماعی و فرهنگی (تحصیلات، پایگاه اجتماعی، فرهنگ ملی و اعتقادات دینی، موقعیت طبقاتی و...)

- ۲- متغیرهای اقتصادی (شغل و درآمد، کالاها و خدمات فراغتی، نقش اقتصاد فراغتی، گردشگری و...) (۱۳۹۱: ۱)
- ۳- متغیرهای فردی و شخصی (جنسیت، سن، مرحله زندگی و...) (۱۳۹۵: ۱۱۱)
- ۴- متغیرهای خانوادگی (نقش ازدواج، مراحل زندگی خانوادگی، هویت، فرهنگ خانوادگی و...) (۱۳۹۵: ۱۲۷)
- ۵- عوامل محیطی و کالبدی- فضایی (وجود امکانات، قابلیت دسترسی، آگاهی، اطلاع و...) (۱۳۹۵: ۱۲۷)
- ۶- عوامل مدیریتی (نقش دولت، نقش بخش خصوصی، نهادهای داوطلب، مدیریت کارآمد، تبلیغات و...) (۱۳۹۵: ۱۲۷)

آزاد ارمکی و اکبری در پژوهش کیفی خود بر روی ۳۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله شهر تهران نشان دادند ترجیحات و گرایش‌های مدرن در بین جوانان شهر تهران در حال شکل‌گیری و تثبیت است، اما در همان حال بسترهای مادی و بایسته‌های اقتصادی تحقق عینی این خواسته‌ها و تمایلات در جامعه وجود ندارد (آزاد ارمکی و اکبری، ۱۳۹۱: ۱).

حیدری و همکارانش در مقاله خود با هدف شناخت انواع اوقات فراغت از دیدگاه جامعه‌شناسی در جوامع کنونی با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی فواید و آسیب‌های آن پرداختند. سپس با بهره‌گیری از کلام و سیره معصومان، اهمیت وقت و ضرورت استفاده از اوقات فراغت را در فرهنگ اسلامی به لحاظ جنبه فردی آن تبیین و راه‌کارهایی جهت تنظیم صحیح اوقات شبانه روز به منظور دستیابی به سبک زندگی اسلامی ارائه نمودند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

رستگارخالد و همکارانش در پژوهش خود در مورد ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله ساکن در منطقه پنج شهر تهران نشان دادند که استفاده جوانان از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید در تکمیل و گذران اوقات فراغت موجب می‌شود که سرمایه اجتماعی جوانان در دو بعد از ابعاد عینی (عضویت و مشارکت افراد در گروه‌ها، سازمان‌ها، معاشرت و ارتباطات افراد) و یک بعد ذهنی آن یعنی اعتماد تعمیق‌یافته (اعتماد مردم به یکدیگر در فضاهای مجازی و اعتماد به فضای مجازی) ارتقا یابد. از سوی دیگر، داده‌های آن‌ها نشان داد که اگر افراد از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید برای فعالیتی اجتماعی در گذران اوقات فراغت‌شان بهره گیرند، این امر موجب می‌شود تا میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها درباره زمانی که از این ابزارها به منظور فعالیت‌های غیراجتماعی مانند فعالیت‌های تفریحی یا یادگیری استفاده می‌کنند، افزایش یابد (رستگارخالد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

علیرضائزاد و سیف جمالی در مقاله خود با مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر تهران بیان کردند که «یافته‌ها نشان از عمومیت استفاده از فضای مجازی در بین جوانان دارد، اما علی‌رغم بازشدن فضا و تسهیل کنشگری دختران در فضای مجازی، وجود نوعی منش و ذائقه جنسیتی در میدان فضای مجازی

مشاهده شد. به عبارت دیگر، ساخت جنسیتی در اوقات فراغت مجازی بازتولید شده است. افزایش امکانات، تاثیر چندانی در نحوه رفتار جوانان برای گذران اوقات فراغت در فضای مجازی ندارد- اگرچه تمایل به مصرف نمایی و اوقات فراغت تظاهری در دختران و پسران دیده می شود، اما به لحاظ شکلی متفاوت است (علیرضائزاد و سیف جمالی، ۱۳۹۵: ۳۵).

سنایی و شرف الدین در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که از منظر اخلاق اسلامی، فراغت بخشی از وقت تحت اختیار فرد است که پس از انجام دادن کلیه تعهدات اجتماعی و برخی ضرورت های پایه ای چون کار و خواب باقی می ماند. مفاهیم اوقات فراغت، تفریح و بازی دارای مضامین مشترکی هستند و بینشان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. فراغت به عناوین متعدد قابل تقسیم می باشد؛ از جمله: فراغت فعال و منفعل، فراغت مثبت و منفی، فراغت سالم و ناسالم، فراغت جدی و سطحی، فراغت مولد و غیرمولد، فراغت گوارا و ناگوار، فراغت واقعی و مجازی، فراغت موثر و مخدر، فراغت خلاق و غیرخلاق- که اکثر آن عناوین در راستای تبیین نکته واحد هستند (سنایی و شرف الدین، ۱۳۹۶: ۷۹).

جعفری هفت خوانی و همکارانش در نتایج پژوهش خود بیان کردند که دو دسته مسائل درون حاکمیتی و برون حاکمیتی، مسائل فراغتی زنان متاهل شهر تهران را تشکیل می دهند. مسائل درون حاکمیتی شامل «حاشیه ای شدن»، «فقدان نگاه ویژه به زن»، «بی تفاوتی»، «سیاست های نمایشی» و «خلا مدیریتی» است. «محدودیت»، «غلبه مصرف»، «انباشت فراغت» و «پروژه نمایش بدن» مسائل برون حاکمیتی هستند. به علاوه، مسائل اوقات فراغت زنان متاهل شهر تهران دارای ریشه فرهنگی و ناشی از «کم توجهی و کژفهمی فرهنگی» نسبت به «زن» و «اوقات فراغت» است (جعفری هفت خوانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۱).

کافی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بنابر روایات اسلامی، برای هر فرد از اعضای خانواده دو نوع اوقات فراغت می توان در نظر گرفت: نخست بر اساس روایت امام علی (ع)، استفاده بردن از لذت ها که همین معنا را مدنظر قرار داد؛ دوم، درباره کسی است که کار و اشتغال روزانه اش پایان یافته است، عبادتش را انجام داده و از حلال های زندگی نیز لذت برده است و هنوز فرصت اضافه دارد. این همان اوقات فراغت به معنای بیکاری است که از دید اسلام نکوهیده است و باید از آن درست بهره برد- در غیر این صورت، آسایش واقعی فرد و خانواده را از بین می برد؛ دوم هیچ گزاره اسلامی که دلالت بر ناشایسته دانستن اوقات فراغت مورد نظر باشد، یافت نشد- بلکه گزاره هایی در تایید و تاکید گذراندن اوقات فراغت خانوادگی به دست آمد. آنچه در گزاره های اسلامی نهی شده است، تنبلی، بیکاری و سرخوشی است (کافی، ۱۴۰۰: ۳۷).

گنجه و همکارانش در مقاله خود با عنوان «عوامل اجتماعی- فرهنگی موثر بر کارکردهای اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان» نشان دادند که عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل شایستگی اجتماعی،

مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری، اینترنت و رسانه و نظام آموزشی باعث بهبود کارکردهای اوقات فراغت می‌شوند (گنجه و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۶۸).

باقری و همکارانش در تحقیق خود به ضرورت بازنگری در رویکرد مرسوم که اغلب اوقات فراغت را به عنوان متغیری وابسته در نظر می‌گیرد، رسیدند. نتایج آن‌ها نشان داد که امروزه اوقات فراغت خود به عنوان متغیری مستقل می‌تواند سایر حوزه‌های زندگی اجتماعی از جمله اخلاق اجتماعی را به اشکال مختلف تحت تاثیر قرار دهد (باقری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۲۰).

اکبرپور و همکارانش در مقاله خود پس از بررسی‌های مختلف عوامل موثر بر بهبود اوقات فراغت ورزشی با تاکید بر الگوی ایرانی-اسلامی، عوامل مذکور را در چهار دسته شامل عوامل فنی، عوامل اجتماعی، عوامل روانی-جسمی و عوامل انسان‌شناختی تقسیم‌بندی کردند (اکبرپور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱).
با توجه به مطالب فوق، تا به اینجا سوالات فرعی اول تا سوم پژوهش پاسخ داده شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و کاربردی می‌باشد. در این پژوهش از روش سناریونویسی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی استفاده شد. همچنین با بررسی کتب و مقالات مختلف پیرامون پژوهش کیفی و تحلیل محتوای کیفی، روش آنالیز شاخه‌ای در انجام این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. مطابق با آنچه دنزین و لینکلن در کتاب «انتظام و عملکرد پژوهش کیفی» بیان کرده‌اند، روش آنالیز شاخه‌ای برای تعیین آینده‌های محتمل استفاده می‌شود که در ابتدا از یک سوال اصلی (سطح بالا) آغاز می‌گردد. مبتنی بر حالات محتمل رویدادهای مهم پیش روی پاسخ، یک درخت‌واره ایجاد می‌شود. موفقیت این روش بسته به کشف و فهم کامل رویدادهای پیش‌رو در ابتدای راه است (Denzin & Lincoln, 2005: 102).
با توجه به برآیند آنچه مایرینگ در مقاله خود با عنوان «تحلیل محتوای کیفی» و پاتون در کتابش با عنوان «روش‌های پژوهش کیفی و ارزشیابی: تلفیق نظریه و عمل» بیان کرده‌اند، مراحل روش آنالیز شاخه‌ای به شرح زیر است:

- ۱- تعیین سوال و چارچوب زمانی: در این گام ابتدا سوال اصلی پژوهش و نیز افق زمانی که سناریوها در آن مورد بررسی قرار خواهند گرفت، مشخص خواهد شد.
- ۲- شناخت پیشران‌ها، روندها و رویدادهای کلیدی مربوط به سوال: در دومین بخش کلیه عوامل کلیدی اعم از پیشران‌ها، روندها و رویدادها انتخاب شده و اصلی‌ترین آن‌ها احصا می‌گردند.
- ۳- انتخاب تعداد محدودی از عدم قطعیت‌های بحرانی و پیامدهای محتمل آن‌ها: در سومین گام، تعداد محدودی از عدم قطعیت‌های بحرانی انتخاب و پیامدهای محتمل هریک سنجیده خواهد شد.

- ۴- تشکیل دیاگرام شاخه‌ای مبتنی بر عدم قطعیت‌های بحرانی و پیامدهای هر عدم قطعیت: در این گام دیاگرام شاخه‌ای مبتنی بر هر عدم قطعیت بحرانی ترسیم و پیامدها در دیاگرام وارد می‌شوند.
- ۵- تعیین فضای سناریو مبتنی بر پیامدهای مهم و اصلی هر عدم قطعیت: در این گام فضای سناریو و حیطه احتمالی پیامدهای آن‌ها مشخص می‌شوند.
- ۶- تشریح مشخصه‌های هر سناریو: در آخرین گام هر یک از سناریوها و مشخصه‌های آن ترسیم خواهد شد (Mayring, 2000: 4-6 ; Patton, 2014: 139-140).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش هر یک از گام‌های شش‌گانه‌ای که در قسمت روش پژوهش به آن‌ها اشاره شد، به نوبت اجرا و توصیف و بررسی می‌گردند. لذا در گام اول، سوال و چارچوب زمانی پژوهش مشخص می‌شود که همانطور که در بخش مقدمه توضیح داده شد سوال اصلی این پژوهش سناریوهای پیش‌روی الگوهای فراغتی جوانان شهری و افق زمانی پژوهش ۶ ساله (تا ۱۴۰۶) می‌باشد. گفتنی است با توجه به سیر پژوهش که در ادامه توضیح داده خواهد شد در پاسخ به این سوال، ۸ الگوی فراغتی مختلف در قالب هشت سناریو متفاوت به دست آمد:

- سناریو یک: جمعی، سنتی و فعال
- سناریو دو: جمعی، سنتی و منفعل
- سناریو سه: جمعی، مدرن و فعال
- سناریو چهار: جمعی، مدرن و منفعل
- سناریو پنج: فردی، سنتی و فعال
- سناریو شش: فردی، سنتی و منفعل
- سناریو هفت: فردی، مدرن و فعال
- سناریو هشت: فردی، مدرن و منفعل

در گام بعد و در پاسخ به سوال فرعی چهارم پژوهش، کلیه عوامل اثرگذار بر الگوهای فراغتی (اعم از روندها، پیشران‌ها و حتی برخی از رویدادهای کلیدی) شناسایی شدند. بدین منظور با توجه به مبانی نظری و مطالعات کتابخانه‌ای ارائه شده در بخش‌های پیشین، مجموعه عوامل زیر را در الگوهای فراغتی می‌توان برشمرد:

- ۱- **تحصیلات:** میزان تحصیلات افراد تاثیر مستقیمی بر الگوهای فراغتی ایشان دارد و عمدتاً افزایش تحصیلات منجر به افزایش تمایل به الگوهای مدرن می‌شود.

- ۲- **پایگاه اجتماعی:** این عامل از یک سو نوع الگوهای فراغتی از منظر هزینه الگوها را تعیین می‌کند و از سوی دیگر مشخص‌کننده میزان اهمیت الگوهای فراغتی برای فرد (در نشان دادن پایگاه و طبقه اجتماعی وی) می‌باشد؛ به گونه‌ای که بیشتر افراد با پایگاه اجتماعی ضعیف‌تر نگاه ابزاری‌تری به الگوهای فراغتی دارند.
- ۳- **فرهنگ ملی:** این عامل تعیین‌کننده میزان فراغت تعریف شده در یک ملت، نوع نگاه به فعالیت‌های فراغتی در یک جامعه و نیز الگوهای فراغتی آن جامعه می‌باشد.
- ۴- **اعتقادات دینی:** این عامل که بسیار اثرگذار بوده و از مهم‌ترین عوامل است، پیچیدگی بسیار زیادی دارد، کما اینکه مقوله سکولار شدن باعث گردیده تا حد زیادی اعتقادات دینی رنگ و ظاهر خود را از دست بدهد و چنان شود که علی‌رغم دین‌داری ظاهری افراد، فراغت ایشان متأثر از رویکردهای دین‌مدارانه نیست.
- ۵- **شغل و درآمد:** میزان درآمد، تعیین‌کننده میزان فراغت فرد و نیز توان وی برای انتخاب الگوهای گوناگون است، کما اینکه بعضاً شغل افراد به گونه‌ای است که اصولاً زمان زیادی برای فراغت ندارند و یا درآمد ایشان به حدی نیست که بتوانند فراغت خود را به گونه دلخواه پوشش دهند.
- ۶- **سطح دسترسی و هزینه فراغت:** هزینه فعالیت‌های فراغتی و میزان دسترسی افراد به این الگوها از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده الگوهای فراغت است و تفاوت بین خواسته‌های جامعه و آنچه در عمل به وقوع می‌پیوندد تا حد زیادی به این عامل وابسته است.
- ۷- **جنسیت:** جنسیت افراد از دو منظر بر روی فراغت ایشان موثر است. از یک سو، جنسیت منجر به تفاوت در الگوهای فراغتی شده و دختران و پسران دو نوع الگوی متفاوت را بر می‌گزینند که این مهم تحت تأثیر عواملی چون میزان امکانات فراغتی و... نیز قرار دارد. از سوی دیگر، امروزه هویت جنسیتی و فرار افراد از هویت خویش مسئله مهمی است که به‌خصوص در دختران زیاد شده و در نتیجه تمایل به الگوهای فراغتی پسرانه و پرمخاطره در میان دختران افزایش یافته است؛ به گونه‌ای که بعضاً پژوهش‌ها نشان از تمایل دختران به پدیده‌هایی مانند پارتی حتی بیشتر از پسران دارند.
- ۸- **سن:** سن یکی از عوامل مهم در تعیین میزان زمان فراغت، میزان اهمیت آن برای فرد و نیز الگوهای فراغتی مورد استفاده فرد می‌باشد، چرا که بعضاً دیده می‌شود در برخی از سنین زمان‌های بیشتری برای فراغت وجود دارد و نیز اهمیت فراغت برای فرد بیشتر می‌گردد. همچنین نوع فراغت‌های دلخواه افراد در سنین مختلف متفاوت است.
- ۹- **مرحله زندگی خانوادگی:** مرحله زندگی خانوادگی عامل دیگری است که بر روی نوع گذران فراغت اثر دارد. به عنوان مثال، مجرد بودن، نوجوان بودن، پدر بودن، مادر بودن، همسر بودن و... همه و همه عوامل مهم و اثرگذار در این پدیده هستند.

۱۰- **میزان مخاطره‌پذیری افراد:** میزان مخاطره‌پذیری افراد یک عامل شخصیتی است که از یک سو تربیتی و از سویی هویتی می‌باشد. این عامل نیز می‌تواند امروزه نقش مهمی در انتخاب الگوهای فراغتی به‌خصوص الگوهای مدرن و پرمخاطره در افراد داشته باشد.

۱۱- **هویت و فرهنگ خانوادگی و میزان تقید به خانواده و گروه دوستان:** از مهم‌ترین عوامل انتخاب الگوهای فراغتی در افراد، هویت ایشان و میزان ارتباطات اجتماعی و هویت‌های اجتماعی در فرد می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به هویت خانوادگی، ارتباط با گروه دوستان و مواردی از این دست اشاره نمود.

۱۲- **سیاست‌های دولتی و خصوصی:** سیاست‌های دولت و نهادهای حاکمیتی در کنار رفتار فعالان خصوصی در عرصه فراغت نیز از عوامل دیگر اثرگذار بر الگوهای فراغتی جوانان شهری به شمار می‌رود. حال که عوامل موثر بر الگوهای فراغتی توصیف شد، تلاش می‌گردد عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شود. بدین منظور ابتدا عوامل کلیدی و مهم از سایر عوامل جداسازی و سپس از بین آن‌ها قطعیت‌ها و عدم قطعیت‌ها انتخاب می‌شوند.

بدین منظور عوامل ذیل با توضیحاتی که درمورد آن‌ها ارائه می‌گردد، نادیده قلمداد می‌شوند:

۱- در این پژوهش سن جامعه مورد مطالعه ثابت فرض شده و تنها جوانان مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در نتیجه سن ثابت فرض می‌شود.

۲- در این پژوهش مرحله زندگی خانوادگی ثابت فرض می‌شود، چرا که همه افراد مد نظر جوانان قبل از دوره ازدواج هستند.

۳- پایگاه اجتماعی حذف می‌شود، چون قابل سرمایه‌گذاری نبوده و در آینده نمی‌توان روند مشخصی در مورد تغییر پایگاه اجتماعی بیان کرد. در واقع پایگاه اجتماعی یک ویژگی نسبی است و به همین دلیل روند آن قابل مقایسه با هیچ سازوکاری نمی‌باشد.

۴- فرهنگ ملی حذف می‌شود، چرا که این عامل اگرچه می‌تواند بر روی الگوهای فراغتی اثرگذار باشد، ولی جزو عوامل اصلی به حساب نمی‌آید و یکی از عوامل فرعی اثرگذار بر انتخاب الگوهای فراغتی است.

۵- عامل جنسیت حذف می‌شود، چرا که این عامل نمی‌تواند روند مشخصی را نشان دهد و تنها می‌توان تغییر الگوهای فراغتی در دو جنس را مورد بررسی قرار داد. با این حال، چون این تفاوت در دو جنس نمی‌تواند روند مشخصی را در طول زمان نشان دهد، لذا جنسیت را نادیده می‌گیریم.

۶- سیاست‌های دولتی و خصوصی با اینکه عامل مهمی در انتخاب الگوهای فراغتی هستند، ولی به این دلیل که جزو عوامل تصمیمات مدیریتی می‌باشند بر طبق منطق سناریونویسی از بین عوامل کنار گذاشته

می‌شوند تا در پایان پژوهش و نتیجه‌گیری به ارائه پیشنهادات سیاستی برای ایشان بر مبنای سناریوهای گوناگون مبادرت گردد.

با توجه به حذف عوامل فوق، می‌توان مجموعه عوامل کلیدی (قطعی یا غیرقطعی) را به شکل زیر برشمرد:

- ۱- تحصیلات
- ۲- مخاطره‌پذیری
- ۳- اعتقادات دینی غیرسکولار
- ۴- شغل و درآمد
- ۵- هزینه فراغت
- ۶- میزان تقید به خانواده و گروه‌های دوستان

از بین عوامل فوق می‌توان عوامل زیر را به عنوان عوامل ثابت و غیرمتغیر یا به عبارتی قطعیت‌های آینده برشمرد:

- ۱- تحصیلات: تحصیلات در آینده در جوانان روند رو به رشد دارد و لذا تاثیر آن بر الگوهای فراغت تنها در یک سو خواهد بود. با افزایش تحصیلات، گرایش به الگوهای مدرن افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، به دلیل فاصله نسبی سطح اطلاعات از خانواده، تمایل به گروه‌های دوستی یا الگوهای فردی افزایش می‌یابد.
- ۲- خطرپذیری: به نظر می‌رسد تمامی روندها به سمت و سوی افزایش الگوهای پرخطر در جوانان به خصوص در دختران دارند و از آنجا که الگوهای مدرن پرخطر هستند، می‌توان گفت این عامل نیز منجر به افزایش تمایل به الگوهای مدرن می‌گردد.

با این توصیفات در پاسخ به سوال فرعی پنجم پژوهش، عدم قطعیت‌های کلیدی در این پژوهش و پیامدهای آن عبارت است از:

- ۱- **میزان تقید به خانواده و گروه دوستان:** این عامل در الگوهای فراغت بر روی جمعی یا غیرجمعی بودن الگوها اثر دارد؛ به این معنا که هرچه فرد تقید بیشتری به خانواده و گروه دوستان داشته و در اصطلاح هویت خانوادگی و دوستان وی پررنگ‌تر باشد، تمایل وی به الگوهای جمعی فراغت بیشتر می‌شود و برعکس.

- ۲- **اعتقادات دینی غیرسکولار:** اعتقادات دینی امروزه با دو تهدید اصلی مواجه هستند: اولین تهدید آنکه خود اعتقادات در حال کم‌رنگ‌شدن بوده و کارکردهای خود را از دست می‌دهند. افراد با تقید دینی کمتر دیده شده و کسانی که خود را علناً غیردین‌دار معرفی کنند، بروز خواهند کرد. در تهدید دوم، تقید دینی افراد پابرجاست، ولی دین انتخابی و سکولار شده است. لذا افراد علی‌رغم آنکه خود را دین‌دار می‌دانند، اما این دین را در انتخاب الگوهای فراغت خویش دخیل ندانسته و مورد استناد قرار نمی‌دهند- این دین

هیچ کارکرد مثبتی در هدایت الگوهای فراغتی نخواهد داشت. با این توضیحات، میزان تقید به اعتقادات دینی غیرسکولار در جامعه، عامل دیگری است که بر روی فراغت و نوع انتخاب الگوهای فراغتی موثر است و هرچه تقید به اعتقادات دینی غیرسکولار افزایش یابد، الگوهای سستی و کم‌آسیب فراغتی گسترش خواهد یافت.

۳- **درآمد به هزینه:** شغل، درآمد و هزینه فراغت در یک گروه ادغام و در مجموع به عنوان درآمد به هزینه شناخته می‌شوند. این عامل جزو عوامل اصلی است و بدین معناست که هرچه درآمد بیشتر یا هزینه فراغتی کمتر باشد، تنوع الگوهای در دسترس بیشتر می‌شود. هرچه درآمد افزایش یابد، تمایل به الگوهای فراغتی فعال بیشتر می‌شود- در حالی که اگر جامعه تحت فشار قرار گرفته و توان اقتصادی مردم کاهش یابد، به دلیل عدم توفیق در الگوهای فراغتی فعال و پرهزینه، الگوهای کم‌هزینه‌تر منفعلانه انتخاب می‌شود که نمونه‌های آن‌ها در ادامه ارائه می‌گردد.

حال که این عوامل کلیدی شناسایی و پیامدهای هر یک بیان شد، حالات محتمل هر حالت کلیدی در یک دیاگرام شاخه‌ای ارائه می‌گردد. در این دیاگرام سه ستون متغیر مربوط به سه عدم قطعیت کلیدی ارائه شده است که به ازای هر ستون دسته‌بندی مشخصی بر روی سناریوها اعمال می‌شود.

- در ستون میزان تقید به خانواده و دوستان دو حالت افزایشی و کاهشی بیان و گفته شده است در حالت افزایشی تمایل به سناریوهای جمعی بیشتر از حالت کاهشی خواهد بود.
- همچنین در ستون اعتقادات دینی نیز دو حالت افزایشی و کاهشی لحاظ شده است که در حالت افزایشی الگوهای سستی بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرند.
- همین روند در ستون درآمد به هزینه وجود داشته و در حالت افزایشی الگوهای فعال و در حالت کاهشی الگوهای منفعل مدنظر قرار می‌گیرند.

توضیح مهم آنکه به دلیل نوع موضوع و فرهنگی بودن، نسبی بودن و تفسیری و کیفی بودن آن، دسته بندی بیشتر عوامل عملاً ممکن نبود. هرچند می‌توان این دو دسته را به سه دسته افزایشی، ثبات و کاهشی تقسیم‌بندی کرد، ولی از آنجا که هدف این پژوهش نشانه‌گیری نقاط حاشیه‌های آینده و فضای سناریو می‌باشد، تلاش شده بیش از آنکه به حالات میانه پرداخته شود، حالات حاشیه‌ای و مهم‌تر برای سیاست‌گذاران بیان گردد.

گفتنی است در مورد انتخاب افق سناریوهای مذکور نیز بازه‌ای میان مدت (شش ساله) در نظر گرفته شده که نه چندان کوتاه باشد که عدم قطعیت‌ها بسیار پایین بوده و نه چندان بلند باشد که با عدم قطعیت بسیار بالایی بتوان راجع به آن‌ها صحبت کرد. از طرف دیگر، به میزانی باشد که افرادی که در حال حاضر در ابتدای سن نوجوانی (۱۲ سال) قرار دارند، در پایان این بازه به ابتدای سن جوانی (۱۸ سال) برسند و سیاست‌گذاران و

نهادهای تصمیم‌گیر این امر فرصت برنامه‌ریزی و اجرا در جهت بهبود روندها و مقابله با چالش‌ها، خلاءها و معضلات پیش‌رو را داشته باشند و بتوانند ماحصل تصمیمات امروز خود را در افق پژوهش مشاهده کنند. با عنایت به مطالب فوق و در پاسخ به سوال فرعی ششم پژوهش، سناریوهای نهایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶ در جدول ۱ به نمایش درآمده است:

جدول ۱: جدول نهایی سناریوها

سناریو	تحصیلات	مخاطره‌پذیری	تقید به خانواده و دوستان	اعتقادات دینی غیر سکولار	درآمد به هزینه
۱: جمعی، سنتی و فعال	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی
۲: جمعی، سنتی و منفعل	افزایشی	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی
۳: جمعی، مدرن و فعال	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی
۴: جمعی، مدرن و منفعل	افزایشی	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی
۵: فردی، سنتی و فعال	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی	افزایشی
۶: فردی، سنتی و منفعل	افزایشی	افزایشی	کاهشی	افزایشی	کاهشی
۷: فردی، مدرن و فعال	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی	افزایشی
۸: فردی، مدرن و منفعل	افزایشی	افزایشی	کاهشی	کاهشی	کاهشی

توصیف ۸ سناریوی موجود در جدول ۱ به شرح زیر است:

۱- سناریوی شماره ۱: ضمن افزایش تحصیلات و مخاطره‌پذیری جامعه، تقید به خانواده و دوستان در افراد روند افزایشی خواهد داشت. از سوی دیگر، اعتقادات دینی غیرسکولار (تقید به دین و همه کارکردهای آن) افزایش می‌یابد و همچنین نسبت درآمد به هزینه فراغتی نیز افزایش می‌یابد. در چنین حالتی، از یک سو به دلیل افزایش تحصیلات و مخاطره‌پذیری افراد تمایل به فراغت مدرن افزایش می‌یابد و هنجارشکنی‌ها راحت‌تر صورت می‌پذیرد، ولی از سوی دیگر، افراد تمایل به فراغت‌های جمعی، فعالانه و سنتی دارند. در چنین سناریویی، پیش‌بینی می‌شود جامعه به سمت الگوهای فراغتی سنتی و کم‌آسیب متمایل شود. در این حالت نیاز به بازتعریف این الگوها وجود دارد و باید این الگوهای فراغتی بتوانند خود را برای قشر تحصیل کرده جامعه تعریف و انواع مختلف نیازهای ایشان را تامین نمایند. لذا بهترین سناریو را می‌توان این سناریو دانست که هم فعالیت‌های فعال و هم الگوهای سنتی جمعی خود را در آن نمایان می‌سازند. از جمله مصادیق این گونه فعالیت‌های فراغتی را می‌توان مواردی چون هیئات مذهبی، ورزش در پارک و ورزش دسته جمعی، رفتن به پیک نیک خانوادگی، مسافرت زیارتی و صله‌رحم بیان نمود.

۲- سناریوی شماره ۲: در این سناریو نیز ضمن افزایش تحصیلات، مخاطره‌پذیری و تقید به خانواده و دوستان و علی‌رغم وجود اعتقادات دینی غیرسکولار در افراد، به دلیل درآمد کم و عدم توان مالی برای استفاده از الگوهای فعال فراغتی، افراد به سمت الگوهای غیرفعال متمایل می‌شوند. در نتیجه می‌توان گفت

سناریوهای الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶

جامعه در مجموع در نگرش‌ها و خواسته‌های خود تمایل به الگوهای فعال دارد، ولی چون قادر به تامین هزینه آن‌ها نیست، در عمل الگوهای غیرفعال را برمی‌گزیند و اینجاست که الگوهای فراغتی سنتی، جمعی و غیرفعال افزایش می‌یابند.

از جمله مصادیق این سناریو را می‌توان مواردی چون صحبت با افراد خانواده، نشستن خانواده برای دیدن یک سریال و... برشمرد.

۳- سناریوی شماره ۳: در این سناریو نیز ضمن افزایش تحصیلات، مخاطره‌پذیری و تقید به خانواده و دوستان، جامعه به سمت کاهش اعتقادات دینی غیرسکولار می‌رود و از سوی دیگر، درآمدهای فردی نیز افزایش می‌یابد. در این حالت علی‌رغم تمایل به الگوهای فعالانه و جمعی فراغتی، رویکردهای مدرن با شیب و نسبت بسیار زیادی خود را نمایان می‌سازند؛ به گونه‌ای که الگوهای فراغتی مدرن (عموماً با رویکرد جمعی) به مهم‌ترین الگوهای جامعه تبدیل می‌شوند. همگرایی این الگوها با دو عامل تحصیلات و مخاطره‌پذیری بیشتر نیز به تسریع روند گسترش این الگوها در جامعه کمک خواهد کرد. از جمله مصادیق این سناریو عبارت است از: خیریه‌ها، NGOها، رفتن به پارتنرها و...

۴- سناریوی شماره ۴: در این سناریو، علیرغم افزایش تحصیلات، مخاطره‌پذیری و تقید به خانواده و دوستان، از یک سو اعتقادات دینی کاهش و از سوی دیگر، درآمدهای فردی به نسبت هزینه‌های فراغتی کاهش می‌یابند. در نتیجه همانند سناریوی قبل جامعه به سرعت به سمت استفاده از الگوهای مدرن به پیش می‌رود. در این حالت عمدتاً الگوهای کم‌هزینه و عموماً منفعل انتخاب می‌شود که نتیجه آن کاهش رویکردهای فعالانه در الگوهای فراغتی به صورت یک خصیصه بارز خواهد بود.

از جمله مصادیق این نوع فراغت می‌توان به مواردی چون: رفتن به کافی‌شاپ، قهوه‌خانه و سفره‌خانه‌ها، رفتن به سینما و تئاتر و استفاده از کلوپ‌های بازی رایانه‌ای اشاره نمود.

۵- سناریوی شماره ۵: در این سناریو، با افراد تحصیل‌کرده، مخاطره‌پذیر، دین‌دار و صاحب درآمد مکفی مواجه هستیم که تقیدات و هویت‌های خانوادگی و دوستان ایشان بسیار کم‌رنگ است و تمایل به زندگی فردی دارند. این سناریو جامعه‌ای را نشان خواهد داد که در آن عمده افراد علی‌رغم تمایل به دین‌داری، الگوهای فردی فراغت را ترجیح می‌دهند و در این الگوها به سنتی بودن آن‌ها و فعالانه بودن آن‌ها دقت می‌نمایند و به دلیل هزینه کم محدودیتی از بابت انتخاب الگوها ندارند.

از جمله مصادیق این سناریو می‌توان به شرکت در کلاس‌های هنری و شرکت در کلاس‌های ورزشی اشاره نمود.

۶- سناریوی شماره ۶: در این سناریو، جامعه تحصیل‌کرده، مخاطره‌پذیر و با اعتقادات دینی، صاحب درآمد کافی نیستند و همچنین پیوندهای قوی خانوادگی و اجتماعی ندارند. لذا تمایل به فردیت‌های منفعلانه

در الگوهای فراغتی گسترش می‌یابد. هرچند افراد برای یافتن این فردیت‌ها در الگوهای سنتی به دنبال ما به ازاهایی هستند.

دیدن تلویزیون به تنهایی، کتاب خواندن، تلفنی حرف زدن، پیاده‌روی کردن، بیکار ماندن در خانه و خمودی از جمله مصادیق این سناریو می‌باشند.

۷- سناریوی شماره ۷: در این سناریو، علی‌رغم تحصیلات بالا و درآمد مناسب، از یک سو مخاطره‌پذیری افراد بالا و از سوی دیگر، تقید ایشان به خانواده و ارتباطات و تعاملات اجتماعی و نیز تقید به دینداری غیرسکولار بسیار کم خواهد بود. در این حالت مطلوب ذهنی افراد الگوهای فراغتی مدرن و فعال ولی فردی می‌باشد.

وبلاگ نویسی را می‌توان از مصادیق این گونه سناریو دانست.

۸- سناریوی شماره ۸: در این سناریو، از یک سو تحصیلات و مخاطره‌پذیری بالا و از سوی دیگر، عدم تقید به دین افراد را به سمت الگوهای مدرن فراغتی هدایت می‌کند- در حالی که تقید افراد به خانواده بسیار پایین است و درآمد کافی نیز ندارند. لذا الگوهای فراغتی عموماً الگوهای فردی منفعلانه مدرن و بدون بروزات اجتماعی خواهد بود.

از مصادیق این سناریو عبارت‌اند از: استفاده از اینترنت، بازی‌های کامپیوتری و موبایل، پرسه‌زنی در خیابان، پاساژگردی و

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی الگوی عمومی فراغت جوانان شهری ایرانی در افق ۱۴۰۶ و زمینه‌سازی برای سیاست‌گذاری بهتر و برنامه‌ریزی و اقدام هدفمندتر تصمیم‌گیران و دست‌اندرکاران امر به منظور مقابله با روندهای نامطلوب موضوع پژوهش و نیل به نتیجه مطلوب با بهره‌گیری از روش سناریونویسی بر مبنای آنالیز شاخه‌ای صورت پذیرفت. با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش پیرامون آسیب‌شناسی الگوهای فراغتی در کشور، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین روند موجود در این زمینه حرکت به سمت مدرن‌شدن و منفعل‌شدن الگوهای فراغتی می‌باشد. جامعه شهری و جوانان با شیب تندی از الگوهای سنتی و فعال فاصله می‌گیرند که دلایل آن در بخش مبانی نظری آمده است. لذا به نظر می‌رسد دو سناریوی ۴ و ۸، محتمل‌ترین بخش‌های فضای سناریویی ترسیم شده در این پژوهش می‌باشند. همچنین با در نظر گرفتن مبانی دینی، ارزش‌های اسلامی جامعه و نیز ارزش‌های حاکمیتی جریان انقلاب اسلامی، از یک سو و آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از الگوهای متنوع فراغتی و تلاش برای کاهش آسیب‌ها و تهدیدات الگوها، به نظر می‌رسد کم‌آسیب‌ترین و مطلوب‌ترین الگوی فراغتی الگوهای جمعی و فعال می‌باشند. در واقع هر دو سناریوی ۱ و ۳ می‌توانند به عنوان حالات مطلوب و بهترین حالات ترسیم شوند.

بدترین حالت، سناریوی شماره ۸ می‌باشد که در آن از یک سو، الگوهای مدرن و رویکرد منفعلانه و از دیگر سو، الگوهای فردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. لذا به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن سناریوهای محتمل، حرکت به سمت سناریو بد با شیب تندی در حال وقوع بوده و نیاز به برنامه‌ریزی سریع و علاج مسئله توسط مسئولان بسیار جدی است. در حال حاضر پژوهش‌ها نشان‌دهنده حرکت جامعه به سمت سناریوهای بد و بدترین حالت‌های سناریویی هستند (رفعت‌جاه، ۱۳۹۰: ۱۵۳). پیشنهاد می‌گردد دولت هرچه سریعتر در این زمینه دست به کار شود و نسبت به برنامه‌ریزی برای ممانعت از ادامه روندهای نامطلوب و هدایت به سمت روندهای مطلوب اقدام کند. برخی پیشنهادها به شرح زیر است:

- ۱- آموزش و افزایش اطلاعات جامعه در زمینه سکولاریزاسیون، عواقب و پیامدهای ناشی از آن و تشریح دقیق سیر و اتفاقات صورت‌گرفته در جوامع غربی ناشی از این امر؛
- ۲- تامین زیرساخت‌های اجتماعی برای جلوگیری از سکولار شدن دینی؛
- ۳- هدایت جامعه و تربیت کودکان به سمت برون‌گرایی در خانواده‌ها و نیز گروه‌های دوستان؛
- ۴- تقویت مهارت‌های ارتباطی و هوش اجتماعی کودکان و نوجوانان با جانمایی کارگاه‌های عملیاتی در طرح درس مهدهای کودک و مدارس در دوره‌های مختلف؛
- ۵- انجام پژوهش‌های متعدد برای بازتعریف الگوهای فراغتی بدون آسیب و نیز الگوهای سستی متناسب با نیازهای جوانان امروز با در نظر گرفتن شرایط بومی کشور؛
- ۶- افزایش سطح متوسط درآمد جامعه و نیز در دسترس قرار دادن امکانات فراغتی متناسب با هر نیاز دو جنس؛
- ۷- ارائه بسته‌های ویژه حمایت از سفر و تفریحات خانوادگی.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و اکبری، حامد. (۱۳۹۱). «فهم ماهیت جامعه ایرانی براساس الگوی گذران اوقات فراغت نسل جوان». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۱(۲)، صص ۱-۲۲.
- اکبرپور، حامد؛ جمشیدیان، لیلا؛ ترکفر، احمد و امیرحسینی، سید احسان. (۱۴۰۱). «بررسی عوامل موثر بر بهبود اوقات فراغت ورزشی با تاکید بر الگوی ایرانی-اسلامی». فصلنامه مطالعات روان‌شناسی ورزشی. ۱۱(۴۲)، صص ۱-۲۲.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۸۹). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. پژوهشکده حوزه و دانشگاه. ۱۷۲.
- ایمانی، جواد. (۱۳۹۰). مطالعات راهبردی هویت دانشجویان. مرکز مطالعات راهبردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر
- باقری، شهلا؛ نبوی، سیدحسین و بهرامی، شجاع. (۱۴۰۱). «فراتحلیل تاثیر اوقات فراغت بر اخلاق اجتماعی». فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). ۱۲(۴)، صص ۸۲۰-۸۳۷.
- بهرام، عباس. (۱۳۶۷). «بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان رزمنده با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته تربیت بدنی.
- تورکلیدسن، جرج. (۱۳۸۲). اوقات فراغت و نیازهای مردم. عباس اردکانیان. انتشارات نوربخش

فصلنامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان / شماره: ۶۴ / تابستان ۱۴۰۳

- جعفری هفت‌خوانی، نادر؛ رضائیان، صدیقه و صفاری، مرجان. (۱۳۹۹). «فراغت زنان در کلان شهرها؛ تبیین مسائل اوقات فراغت زنان متأهل شهر تهران». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ۱۰(۳۴)، صص ۹۱-۱۱۹.
- حیدری، علی؛ هادی، علی‌اصغر و نوروزی، مجتبی. (۱۳۹۵). «نگاهی علمی دینی به اوقات فراغت». فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. ۲۲(۱)، ص ۱۱۱.
- ربانی، رسول و شیرینی، حامد. (۱۳۸۸). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی». فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۸، صص ۲۰۹-۲۴۲.
- رستگارخالد، امیر؛ مصلحی جنتیان، نرگس؛ صلاحی، آمنه و تاج، نسرین. (۱۳۹۵). «تاثیر فناوری‌های جدید بر اوقات فراغت و سرمایه اجتماعی جوانان». فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات. ۱۷(۳۳)، صص ۱۲۷-۱۴۷.
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۷). «دختران جوان و اوقات فراغت». مطالعات جوانان. شماره ۱۳، صص ۱۵۱-۱۷۴.
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۹). «تبیین جامعه‌شناختی فعالیت‌های فراغتی دختران جوان با تاکید بر عوامل آسیب‌شناختی آن». مطالعات راهبردی زنان.
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۹۰). «فراغت و ارزش‌های فرهنگی» فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۹۰.
- زالی، نادر. (۱۳۹۰). «آینده‌نگاری راهبردی و سناریونویسی منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی». مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴ (پیاپی ۵۴)، صص ۳۳-۵۴.
- سعیدی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). «تحول مفهوم اوقات فراغت». مطالعات جوانان. شماره ۶، صص ۱۴۵-۱۷۱.
- سلگی، محمد و بهرام، صادق‌پور. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان. پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان. تهران: اهل قلم
- سنایی، نقی و شرف‌الدین، سیدحسین. (۱۳۹۶). «مفهوم کاوی اوقات فراغت با رویکرد اخلاق اسلامی». پژوهش‌نامه اخلاق. ۱۰(۳۵)، ص ۷۹.
- شکسیمنت، جنت؛ لائو، جان، هندری، لیو و گلندینینگ، آنتونی. (۱۳۸۳). اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان. فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر. تهران: انتشارات نسل سوم
- شیخ، سعادت. (۱۳۷۴). «چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان و جوانان». طرح تحقیقاتی دبیرخانه شورای عالی جوانان، تهران.
- علیرضائزاد، سهیلا و سیف جمالی، سکینه. (۱۳۹۵). «ذائقه جنسیتی و اوقات فراغت مجازی (مطالعه‌ای بر جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۵(۳۳)، صص ۳۵-۵۵.
- فارمیان، طلیعه. (۱۳۸۷). سبک زندگی و مصرف فرهنگی. تهران: نشر جهان کتاب
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۷). انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی
- فیلیک، اووه. (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- کافی، مجید. (۱۴۰۰). «اوقات فراغت در سبک زندگی خانوادگی». پژوهش‌نامه سبک زندگی. ۷(۱۲)، صص ۳۷-۵۸.
- کیان، علی. (۱۳۵۶). «بررسی و فعالیت‌های فراغتی گردش‌های جمعی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی و تعاون تهران در دو گروه درآمد بالا و پایین». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد.
- گنجه، سیدعلیرضا؛ نامور، هومن؛ آقاییوسفی، علیرضا و نوابخش، مهرداد. (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر کارکردهای اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان». نشریه سلامت اجتماعی. ۸(۳)، صص ۴۶۸-۴۸۲.
- محمودی اشکوری، حسین. (۱۳۶۹). «بررسی وسایل ارتباط جمعی و گذراندن اوقات فراغت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی؛ دانشگاه تهران.
- مهدی‌پور، عبدالرحمن و عسگری، مصطفی. (۱۳۷۱). پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ویلن، تورستین. (۱۳۸۶). نظریه طبقه تن‌آسا. فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی

سناریوهای الگوی عمومی فراغت جوانان شهری در ایران در افق ۱۴۰۶

- هی‌وود، لس؛ اسپینک، جان؛ براهام، پیتر؛ کاپنرهاست، جان؛ کیو، فرانسیس و هنری، یان. (۱۳۹۹). **اوقات فراغت**. محمد احسانی. تهران: بامداد کتاب
- یزدانی فاروقی، شهریار. (۱۳۷۳). «بررسی نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان قهرمانی کشورهای آسیایی میانه و ج.ا. ایران شرکت‌کننده در اولین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Abbott, Pamela, & Sapsford, Roger. (2006). "Life-satisfaction in post-Soviet Russia and Ukraine". *Journal of Happiness studies*, 7(2), 251-287.
- Furlong, Andy & Cartmel, Fred. (1997). **Young People and Social Change**. Open University Press
- Denzin, Norman & Lincoln, Yvonna. (2005). **The Discipline and Practice of Qualitative Research**. SAGE: Los Angeles
- Mayring, Philipp. (2000). "Qualitative Content Analysis". *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 1(2).
- Patton, Michael Quinn. (2014). **Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice**. Sage publications

